

دوقلوهای افسانه‌ای کنکوری

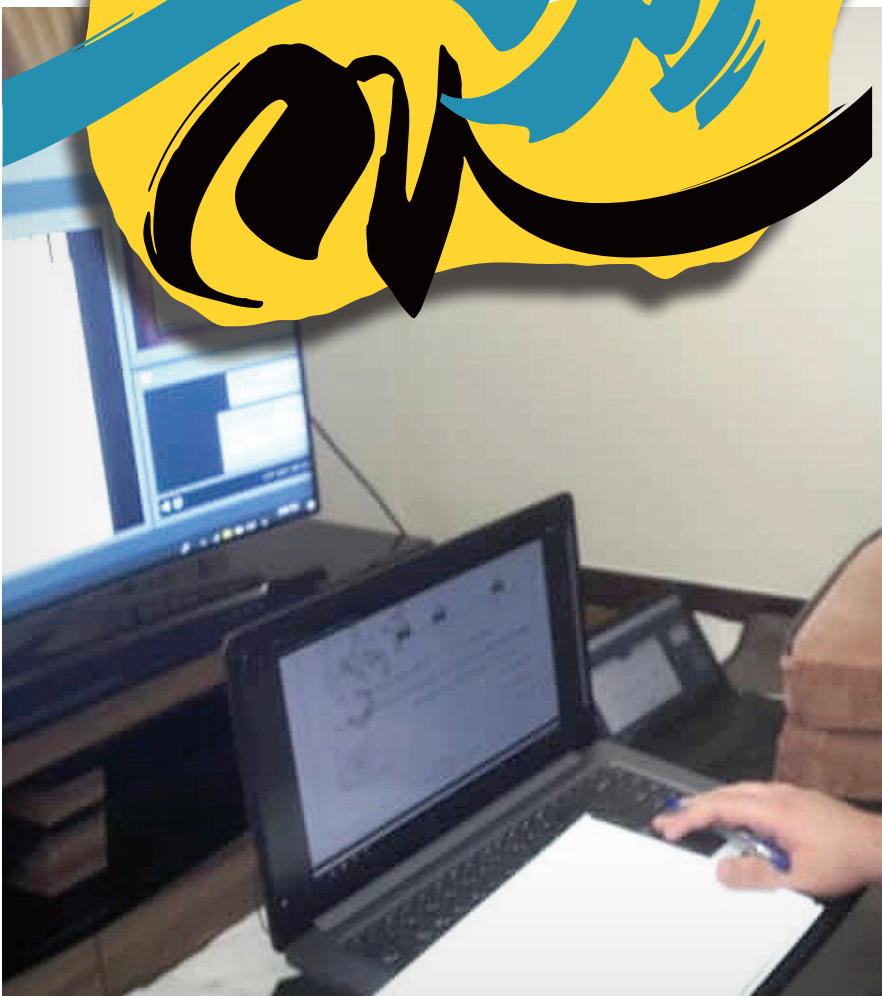
حسن و حسین قیم از اهواز بعد از کسب رتبه ۵ و ۱۲ کنکور سراسری ۱۴۰۰ در گفت و گوبا ما از رموز موفقیت شان برنامه های زندگی، در دسر های داشتن برادر دوقلوو می گویند

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۰
۲۳ ذی الحجه ۱۴۴۲ • ۲۳ آگوست ۲۰۲۱
شماره ۲۰۷۲۳

۱۹۴۳



کرونا و آموزش مجازی را به فرصت تبدیل کردیم

شیوع کرونا و مجازی شدن سیستم آموزشی، بدون شک روی کیفیت یادگیری دانش آموزان تاثیر گذار است. از این دوقلوها که در کنکور ۱۴۰۰ درخشیدند، در این باره هم پرسیدیم. حسن می گوید: «بعد از این که سیستم آموزشی کشور مان یعنی مدارس و کلاس ها به دلیل شیوع کرونا مجازی شد، یک راه بیشتر پیش روی ما نبود. ما چاره ای نداشتیم جز این که بیشتر تلاش کنیم و درس بخوانیم. این مسئله و تلاش ما باعث شد تا انگیزه بیشتری داشته باشیم و این موضوع به افزایش کیفیت یادگیری ما کمک کرد. به عبارت دیگر، کرونا و آموزش مجازی را به فرصت تبدیل کردیم. برای سال پیش دانشگاهی یا همان سال دوازدهم، در مدرسه ما این طور است که معلم سر کلاس نمی آید چون دانش آموزان نمی آیند. بنابراین حالت عادی اش هم این بود که ما باید در خانه بیشتر درس های مان را می خواندیم و به خوبی توانستیم از این فرصت استفاده کنیم.»

مردم دوقلوها را نصف حساب می کنند!

دنیای دوقلوها برای بیشتر مردم جذاب است. این که چقدر شبیه به هم فکر می کنند، چه دردسرها و شیرینی هایی برایشان دارد و ... حسن در این باره می گوید: «وقتی شما دوقلو هستید، معمولاً مردم شما را نصف حساب می کنند یعنی به هیچ کدام تان به اندازه یک آدم کامل توجه نمی کنند. داشتن برادر دوقلو در دسر که ندار و البته شیرینی های زیادی دارد. شما یک نفر را دارید که همیشه در کنار تان است، حامی و همراه تان است، از زمانی که به دنیا آمدید، یک نفر را دارید که با او به معنای حقیقی کلمه، خوش هستید و شمارا در کم کند. همچنین برادر یا خواهری دارید که همیشه پشتیبان تان است. البته این مسئله برای خانواده هایک سری در دسر دارد، مثلاً زحمت خانواده ها بیشتر می شود، هزینه هایشان و ... فرستادن دو بچه یا هم به مدرسه یا ثبت نام همزمان تان در کلاس های فوق برنامه و ... در دسر هایی دارد. در ضمن، گاهی هم ما را باهم اشتباه می گیرند که این واقعا مشکل زامی شود. مثلاً یک بار در یک آزمون، برگه ما دو نفر اشتباه شد و برادر م با جواب هایی که من در پاسخ نامه نوشته بودم، نفر اول شد و او تقدیر به عمل آمد!»



اهل فضای مجازی نیستیم

به عنوان سوال آخر از حسین در باره توصیه هایش به کنکوری های سال های آینده و رموز موفقیت در این مارا تن پر استرس و سر نوشت ساز می پرسم. او که رتبه ۱۲ کنکور را به دست آورده، در پاسخ به این سوال می گوید: «من و برادر م در این سال ها، هیچ گاه تلفن همراه نداشتیم. در این سه سال آخر، لپ تاپ و تبلت داشتیم اما سیم کارت نداشتیم و به طور کامل در شبکه های اجتماعی حضور نداشتیم. این مسئله خیلی مهم و تاثیر گذار بود و در کسب این نتیجه، نقش پر رنگی داشت. در باره دلایل اصلی این موفقیت، از نظر من و برادر م، مهم ترین رمز موفقیت هر آدمی، اول لطف خدا و سپس داشتن خانواده ای همراه و دلسوز است. برای موفقیت در رقابت سنگینی مثل کنکور، نمی توان به تنهایی تلاش کرد و باید شرایط از جنبه های مختلف، فراهم باشد تا این نتیجه کسب شود.» حسین هم در پاسخ به این سوال می گوید: «یک توصیه به داوطلبان کنکوری سال های بعد دارم که اصلاً از کنکور نترسند، روز کنکور هم مثل بقیه روز هاست و می گذرد. البته همه و بسیاری از کارشناسان تحصیلی این نکته را گفتند و این ترس هم قابل کتمان یا نابود کردن نیست اما اگر مدیریت نشود، استرس فرد بالا می رود و تاثیر بدی روی نتیجه آزمونش خواهد گذاشت. به همین دلیل، باز هم خواستم این نکته را به داوطلبان یادآوری کنم. بعد از تلاش و پشتکار در هر کاری، باید به خدا توکل کرد تا با آramش بیشتری، مسیر و روز های سر نوشت ساز را پشت سر گذاشت.»

هفته های آخر، حداکثر روزی ۳ ساعت درس می خواندیم!

«من سال دهم، خیلی بیشتر از سال یازدهم درس می خواندم و سال یازدهم خیلی بیشتر از دوازدهم»، حسن با این مقدمه می افزاید: «مادر م همیشه این نکته را در باره ما کاش میز ان مطالعه ام با نزدیک شدن بیشتر به کنکور به من و برادر م یادآوری می کرد. یاد م هست که بهار سال دوازدهم، خیلی کمتر از پاییز سال قبلش برای مطالعه وقت گذاشتم. متأسفانه ماه های آخر، درس خواندن مان خیلی کمتر شد به حدی که چهار روز آخر، کلا سمت کتاب و درس نرفتیم. البته این رایک امر طبیعی می دانیم که برای بیشتر داوطلبان کنکور اتفاق می افتد. من در سال یازدهم، روزانه ۱۰ ساعت و چند روز آخر در نهایت ۲ ساعت در روز درس می خواندم.» حسین هم در این باره می گوید: «ما از سال دهم برنامه داشتیم و می خواستیم تا زمان رسیدن به برگزاری کنکور، ساعت مطالعه مان را زیاد کنیم و به خصوص قبل از امتحانات نهایی، روزانه بین ۱۱ تا ۱۲ ساعت هم مطالعه می کردیم. اما بعد از امتحانات، یک مقداری احساس کسلی کردیم و درس خواندن مان کمتر شد. هر چه بیشتر به کنکور نزدیک شدیم، ساعت مطالعه مان بیشتر به ساعت استراحت کردن تبدیل شد و هفته های آخر در نهایت ۳ یا ۴ ساعت درس می خواندیم و بیشتر به استراحت می پرداختیم.»

معدل نهایی مان ۴ صدم فاصله داشت

از این برادر های دوقلو در باره این پرسیدم که درس کدام یک از آن ها بهتر است. حسن در این باره می گوید: «نمرات ما همیشه نزدیک به هم بوده و الان در نتایج کنکور، فاصله مان خیلی زیاد شده است! ما تقریباً معدل های مان در چند سال اخیر یا برابر بوده یا چند صدم باهم فاصله داشته است. معدل نهایی حسین که رتبه ۱۲ را کسب کرد، ۴ صدم از من بیشتر بود. من معدل نهایی ام ۱۹/۹۱ و حسین ۱۹/۹۵ بود.

عجیب ترش این که معدل سال دوازدهم هر دو نفر مان، ۱۹/۹۸ بود. دقیقاً مثل هم بودیم.» حسین هم در این باره می گوید: «برای کنکور، تصور من این بود که رتبه من و برادر م، پشت سر هم باشند و در نهایت یک نفر فرق داشته باشد اما وقتی نتایج آمد، من جا خوردم و یک مقداری هم ناراحت شدم. اما وقتی دیدم که می توانم در همان رشته دانشگاهی که دوست دارم درس بخوانم، خدا را شکر کردم که به نتیجه قابل قبولی رسیدم. اما به طور کلی، در س هر دوی مان در یک سطح است. در آزمون های آزمایشی، گاهی من نمره بهتری کسب می کردم و گاهی حسن. در کنکور نوبت حسن بود که نمره بهتری بگیرد و به او تبریک می گویم اما این تلاش، به پایان نرسیده و برای هر دو نفر ما ادامه خواهد داشت.»

فکر می کردیم رتبه بین ۳۰ تا ۵۰ باشد

حسن قیم که رتبه ۵ کنکور تجربی ۱۴۰۰ را کسب کرده، در باره احساسش بعد از کسب این موفقیت می گوید: «نتیجه زحمت سه سال مان بود، خیلی برایش زحمت کشیدیم و طبیعتاً خوشحال هستیم. من قبل از شرکت در آزمون های آزمایشی فکر می کردم که رتبه ام بین ۳۰ تا ۵۰ باشد و آن زمان، همین رتبه هم برایم رویایی بود اما کم کم به این نتیجه رسیدم که می توانم رتبه تک رقمی هم کسب کنم. به نظر م هم من و هم برادر م لایق این رتبه بودیم. روز اعلام نتایج، ما مشغول خوردن ناهار بودیم که معلم ریاضی مان زنگ زد. من آن لحظه سر شار از استرس شدم و تلفن را جواب دادم. او گفت که نتایج آمده و من نفر پنجم شدم. خیلی خوشحال شدم، لطف خدا هم بود. البته از آن طرف چون نتیجه برادر م نیامده بود و مشخص شده بود که بین ۱۰ نفر برتر نیست، دلواپسی اورا هم داشتم. بعدش خود مان وار دسایت ساز مان سنجش شدیم و دیدیم که برادر م رتبه ۱۲ را کسب کرده است.»

به پزشکی به معنای نسخه نوشتن علاقه نداریم

از حسن می پرسم که چرا هر دو نفر تان رشته تجربی را انتخاب کردید که می گوید: «هر دوی مان به آینده رشته تجربی برای انتخاب شغل فکر کردیم و به نظر مان، تصمیم درستی هم گرفتیم. هر دوی ما به پزشکی علاقه مند هستیم البته این علاقه مان به معنای پزشکی شدن برای طبابت و نسخه نوشتن نیست، به پزشکی علاقه مند هستیم که با تحقیقات و افزایش یاحتی تولید دانش همراه باشد.» حسین که رتبه ۱۲ را کسب کرده، در همین باره می گوید: «شاید باور نکنید اما من قبل از این که شروع به درس خواندن کنم و قبل از این که در سال اول دبستان، پاپم را به مدرسه بگذارم، دوست داشتم در رشته های پزشکی دانشگاه تهران درس بخوانم. از همان زمان، چنین آرزویی داشتم و به خاطر همین، این همه سال درس می خواندم. هدفم از اول، پزشکی دانشگاه تهران بود و الان هم، هر دو نفر مان در همین رشته و دانشگاه، درس خواهیم خواند.»



حسن که ۱۵ دقیقه از برادر دیگرش بزرگ تر است، در باره برنامه ریزی های درسی شان برای موفقیت در کنکور می گوید: «برنامه درسی من و برادر م حسین برای موفقیت در کنکور، خیلی شبیه هم بود. هر دو از سال دهم برای کنکور شروع کردیم. آن زمان باهم گفتیم که هدف اصلی مان در سه سال آینده، موفقیت در کنکور باشد و همه چیز زندگی مان را تحت الشعاع این آزمون قرار دادیم. همان طور که گفتیم، برنامه های درسی مان کاملاً شبیه بود، هم کتاب هایی که استفاده می کردیم، هم کلاس هایی که می رفتیم، هم مدرسه، هم معلم ها، هم زمان مطالعه و ...»

از معلم خصوصی برای رفع اشکال کمک گرفتیم

یکی از رایج ترین سوال ها از نفرات برتر کنکور در باره معلم خصوصی و آموزشگاه های کنکور است. این که آیا استفاده کرده اند یا نه، چقدر تاثیر داشته و ... حسن در پاسخ به این سوال می گوید: «باید بپذیریم که اگر خود دانش آموز بتواند به خوبی در سش را بخواند، نیازی به معلم خصوصی نیست اما در یک سری در س ها مثل شیمی، فیزیک و زیست در رشته تجربی به یک راهنمای دلسوز نیاز داریم که متأسفانه بعضی از معلم ها این طور نیستند. ما از معلم خصوصی به عنوان یک راهنما استفاده می کردیم، نه این که به ما درس بدهد، بلکه به صورت گروهی با چند نفر از دیگر دوستان برای رفع اشکال از او کمک می گرفتیم.»

برادر ان تاجیبانا، دوقلوهای مورد علاقه مان هستند

حسن در بخشی از صحبت هایش گفت که هفته های آخر مانده به کنکور، تفریحات شان بیشتر شده است. سوال این است که تفریح این دو برادر چه بوده؟ حسن پاسخ می دهد: «ما از بچگی، تفریحاتی مثل بیرون رفتن با دوستان، سینما رفتن و ... را نداشتیم و به آن علاقه مند هم نبودیم. بیشتر تفریحات ما در تلویزیون دیدن خلاصه می شد و استراحت مثلاً خوابیدن. این اواخر که ساعت مطالعه مان کم شده بود، بیشتر از قبل تلویزیون تماشا می کردیم و کمتر بیرون می رفتیم. اگر هم بیرون می رفتیم، بارعایت پرتکل های بهداشتی به جاهای خلوت تر و طبیعت می رفتیم تا کمی، حال و هوای مان عوض شود. یک خوش شانس می هم که آور دیم، این بود که مادر مان ما را در این مدت خیلی در کم می کرد و اصلاً به ما ایراد نمی گرفت که ساعت مطالعه تان کم شده و چرا بیشتر تلویزیون می بینید، چون به خوبی می دانست که این کار برای مان لازم بود.» از او در باره فیلم و سریال های مورد علاقه شان هم می پرسم که می گوید: «ما در تلویزیون بیشتر سریال ایرانی می بینیم. فیلم هایی که تلویزیون بگذار دهم می بینیم اما سریال بیشتر. از فیلم هایی که دارای شخصیت دوقلو باشد، کارتون فوتبالیست ها را دوست داریم. برادر ان افسانه ای تاجیبانا، واقعا دوست داشتنی هستند و عملکرد شان هیجان انگیز است.»

